

# ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

با آثاری از:

محمد استعلامی

عبدالرضا انصاری (مصاحبه)

سید حسین رضوی برقی

علی سجادی

بیژن شاهمرادی

محمد رضا شفیعی کدکنی (برگزیده ها)

دکتر هوشنگ صادقی نژاد

قاسم طالب زاده

محمد علی طالقانی

مجدالدین کیوانی

جلال متینی

بیژن نامور

# ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران  
و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

مدیر

جلال متینی

نقد و بررسی کتاب

زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی

زیر نظر: ویلیام ال. هُنوی، دانشگاه پنسیلوانیا

هیأت مشاوران پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک

جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ

راجر سیوری، دانشگاه تورنتو

حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

مشاوران متوفی ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران

محمد جعفر محجوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام

یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi

P.O. Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A.

تلفن: ۲۵۶۴ - ۲۷۹ (۳۰۱)

فکس: ۲۶۴۹ - ۲۷۹ (۳۰۱)

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۷۵ دلار، برای دانشجویان ۶۵ دلار، برای مؤسسات ۲۰۰ دلار

در خارج از آمریکا، هزینه پست هوایی افزوده می شود:

کانادا ۲۴ دلار، سایر کشورها ۴۸ دلار

## آیینهای سوگواری در بختیاری

بخش دوم

### یکم: گورستانها و گورهای بختیاری

هر چند سرزمین بختیاری یکسره کوهستانی و ناهموار است، گورستانها در زمینهایی کمابیش بلندتر از زمینهای پیرامون آنها برپا می گردد. گورستانها بیشتر در کناره بیرونی آبادیها دیده می شود.

۱ - بایستگی خاکسپاری مردگان در خاک بختیاری؛ بختیاریها از خاکسپاری مردگان خود در زمینهای بیگانه و به ویژه زمین پست و دشتهای پرهیز دارند، و می شود گفت بیزارند. چنانچه ناگزیر از چنین کاری شوند همواره آن را به یاد داشته با چندان از آن سخن می گویند:

(۱) سی چه پیانه نهادین من لَجنا؟

*sē čə pēyāno nohāsin mən lajanā?*

چرا مرد را در میان لجن (= زمین پست و آبگیر) نهادید؟

(۲) سی چه پیانه نهادین ولاتِ غُربت؟

*sē čə pēyāno nohāsin volāt ə yorbat?*

چرا مرد را در ولایت غریب نهادید؟

و از آن بیشتر

(۳) سی چه پیانه نهادین جالیش؟

*sē čə pēyāno nohāsin jā lēš?*

چرا مرد را در جای زشت نهادید؟

اینها همه سخن خویشان و بستگان «حاج محمد تقی قاضیانی» از «تَش قاضی»، «طایفه نصیر»، «باب زاگی» «شاخه هفت لنگ» بختیاری ست که در سال ۱۳۶۳ خورشیدی در اهواز درگذشت همان جا به خاک سپرده شد.

۲ - گورستان طایفه ای؛ هر طایفه بختیاری گورستان ویژه خود را دارد. هرگز کسی از طایفه ای را در گورستان طایفه دیگر به خاک نمی سپرند. نمونه های بسیار از گورستان ویژه هر طایفه در سراسر خاک بختیاری دیده می شود. گیراتر آن که هر چند بختیارهای شهرنشین شده از طایفه های گوناگون درهم آمیخته اند، هنگام مرگ گورستان ویژه طایفه خود را خواهند داشت. از این نمونه گورستان طایفه «باورساد» *bāwarsād* نزدیکی مسجد سلیمان را می توان یاد کرد. روی سنگ گور افزون بر نام و نام خانوادگی، نام طایفه هم نوشته می شود، چه در گورستانهای ویژه ای هر طایفه و چه در گورستانهای همگانی. درباره شهر مسجد سلیمان به ویژه این نکته را باید یادآور شد که این شهر یکی از نخستین شهرهای نوین (= مدرن) در سراسر خاورمیانه است که در آغاز سده بیستم میلادی به دست «شرکت نفت» ساخته شد.

۳ - گورستان کنار رودخانه؛ در بختیاری نمونه گورستان کنار رودخانه کمیاب نیست. گورستانی از آن طایفه «نصیر راکی» در کنا «*awtahlā*» *اَو تَهْلَه* گذار *گُذار لَنْدَر* «*godār lanđar*» نزدیکی مسجد سلیمان، از این گورستانهای کنار آب روان است.

۴ - گور هونه *gur hunā* : «گورخانه» ها که شمارشان در بختیاری چندان نیست، به درستی می تواند گونه ویژه ای از گورستانها شمرده شود. «گور هونه» تکه زمینی ست که آن را گود می کنند و کسانی را از یک خانواده یکان یکان و جدا از یکدیگر در می گذرند، در آن به خاک می سپرند. پس از به خاک سپردن هر مرده گور را می گذارند بماند تا تنی دیگر از همان خانواده دیده از جهان فرو بندد، این یک را نیز کنار همان مرده پیشین، بی هیچ دیواره ای میان دو مرده، به خاک می سپرند. این گورخانه ها را تنها برای خاندانهای بزرگ و نامی برپا می دارند. از نمونه این گورخانه ها یکی در «چهل گهپ» «*ahl-a-ga<sup>h</sup>p*» (= چاله بزرگ) در دشت گل «گرمسیر بختیاری دیده می شود که از آن یکی از خاندانهای بزرگ طایفه «شهنی» *šāhni* است.

۵ - انجمن خانواده؛ چنین می نماید که این نیز گونه ای گورستان است، هر چند جز همین یک نمونه، گورستان دیگری با این شناسه ها دیده نشد. این نام را نیز نگارنده از نزد خود بر آن نهاده است. زیرا در این نمونه، کودکان مرده خانواده را روی سینه بزرگترانی از همان خانواده، که پیشتر درگذشته بودند، به خاک سپرده اند. یکی از این گورستانها یا

انجمن مردگان در «پیر کُنارک» *pēr-ə-konārak* «دلی *dälāy*» است که مادر بزرگ و یکی از مردان خانواده به نامهای «ماما قاضی» و «آتمبر *ātambor*» از طایفه «نصیر» را در آن به خاک سپرده اند. نزدیک بیست سالی پس از آن دو تن، دو پسر بچه از خانواده درگذشتند و به فرمان پدر بزرگ خانواده، که هنوز زنده بود، با آن که جای فراوان در دسترس بود، دو کودک را روی سینه آن دو بزرگتر پیشتر درگذشته خاک کردند.

۶ - کوشک؛ روی گور خانها و بزرگان ساختمانی چهار پایه از سنگ و آمیزه ای از گچ، آب و شیر میش، برای اندودن آن، ساخته می شود. بام این کوشکها، که همچون آتشکده های ساسانی می نماید، گنبدوار و سه سوی آن بسته است. یک سوی ساختمان برای دسترسی به گور زیر آن باز است. در بخش بالایی یکی از دیوارها، از درون ساختمان، رف گونه ای برای افروختن آتش یا شمع و چراغ کار گذاشته شده است. چند گونه کوشک دیگر هم ساخته می شود که دیواره های آنها آزاد و تنها چهارستون و سرپوشی آهنین است با کناره های شیب دار و میانه برآمده.

۷ - برد گوری *bard-ə-guri* (= سنگ گری): گورهای باستانی سنگی ست، با دهنه ای پنجره وار و دو اتاق پی در پی در سنگ کوه.

۸ - خِرِف هُونِه *xəraf hunə*؛ خرف، پیر از توان افتاده را می گویند و «هونه» برابر خانه است در فارسی. پیران ناتوان را، زنده، در این شکاف کوهها می گذاشته اند.

۹ - گور در بلندی کوه؛ چنین می نماید که در گذشته دور برخی خانها را در بلندای کوه به خاک می سپردند. از آن میان می توان از گور شیخ باقرخان بختیاری یاد کرد که در روزگار «نادرشاه افشار» می زیست.

۱۰ - خاکسپاری با ابزار کار؛ از این روش تنها یک نمونه شنیده شد. «آخیر گرد قاضی *āxayrgard*» فرزند «آحسن آقا» که در سال ۱۳۲۹ خورشیدی درگذشت، مردی بود که در طایفه خود بسیار بزرگ داشته می شد. او را با ابزار کارش به خاک سپردند.

به هر روی، گورها را تا یک سال پس از خاکسپاری مرده می گذاردند بماند. نه ساختمانی بر آن بر پا می دارند و نه سنگی بر آن می نهند. در این یک سال آب بسیار بر گور می ریزند. ساختمان و سنگ و تندیس ای که از پس نخستین یک سال بر گور می گذارند چنین است:

(۱) برد شیر *barδ-ə-šēr* (= شیر سنگی)؛ تندیس سنگی همچون شیری، ساخته روی گور بزرگان، و به ویژه یلان و جوانان شهید کار می گذارند. شیرهای سنگی را در اندازه های گوناگون می سازند و همواره سر تندیس از تنه آن بزرگتر است. گاهی پیکره تفنگ، گرز و

دیگر زین ابزارهای مرده را روی بدنه شیرسنگی کنده کاری می کنند.

(۲) پیکره زین ابزار؛ بر سنگ گور بزرگان و دلیران، پیکره تفنگ، شمشیر یا گرز کنده کاری می شود.

(۳) مهر و تسبیح: روی سنگ گور برخی دینیاران و مردان و زنان نام آور به دینداری و پرهیزکاری نگاشته می شود.

(۴) شانه و قفل؛ روی گور زنان بزرگ و «بی بی» ها کنده کاری می شود.

(۵) کُرکیت (korkit = شانه قالبی)؛ روز گور زنان هنرمند کار می شود.

(۶) کلاه؛ به ویژه «کُله خُسروی xosrowi» روی سنگ گور مردان بزرگ و سران طایفه و ایل کار می شود.

(۷) گل آفتابگردان و گلدان؛ پیکره این گل را درگلدان با شاخ و برگ روی گور سرشناسان کنده کاری می کنند. کاسبرگ گل بزرگتر از پایه و برگ آن است.

(۸) نشانه ویژه؛ یک نمونه سنگ گور در «پُشت بُرج» در مسجد سلیمان دیده شد که پیکره برجسته گل و گلدان روی آن کنده کاری شده است. پیکره رنگامیزی شده است و سنگ گور ایستاده کار گذاشته شده.

### دوم: سُروها و بیتها

نمونه هایی کوتاه از بیتها، پیشتر یاد شد. چون در شناسایی گوشه های گوناگون آیینهای سوگواری در بختیاری و فرهنگ پایه ای این آیینها، بیتها و سروهای یاد شده یاری شایانی به ما خواهد کرد، نمونه های گسترده تری از این بیتها را در این جا می نگاریم. بیتهای سوگواری گذشته از بازگویی ویژگیهای مرده و گاه بازگویی این ویژگیها از زبان خود وی، در برگیرنده آیینهای سوگواری همچون چادر به شانه انداختن و گیسو بریدن و یاد اسب و گرز و تفنگ «پهلوان» است. هرگاه که پهلوان مُرده، در بیتها به سخن می آید، روی سخنش با همسر، مادر یا خواهر خود بیش از دیگران است. از ایشان برای آماده سازی جنگ و ابزار آن یاری خواسته، ایشان را به گواهی می خواند و ایشان را فرا می خواند بر او بمویند و بگریند.

هرچند در بیتها بسیاری کسان یاد می شوند، با این همه، بودن زنان است که پایه ای و بنیادی ست. خود روشن است زن نزدیکتر به «قهرمان» و «پهلوان» یادشده در سرو، به سوگواری سنگینتری فراخوانده می شود.

بیتهایی همگانی ست که می تواند در سوگ هر جوانی خوانده شود:

- |   |   |
|---|---|
| ۱- تُرکْمُونِ سَرَحَدی، اَرَوُّ بَری        | چَنَدی و زُونِ رِکاوُختِ اینییری          |
| ۲- تُرکْمُونِ سَرَحَدی، اَرَوُّ شِیراز      | چَنَدی و زُونِ رِکاوُتِ اینکی ناز         |
| ۳- سَردارینِه پُوشنید زِ هُونِه دِرِوید     | دِشمنی کِه یُنِه دید لَرزِه بَرِاوید      |
| ۴- سَردارینِه پُوشنید زِ هُونِه دُونی       | دِشمنی کِه یُنِه دید رَه بی زِ زُونی      |
| ۵- خَانمِ سُنْگَرِ بَسْت و گَزَدِه زورُون   | یُ چُنْ جَنگِ اینکِه چی شیرِه دُورُون     |
| ۶- سُد اِزارِ دُونِه فِشَنگِ و پِرِه شَالِش | تاریکی دَمِ سُبُقِ چَرِوِستِ و مَالِش     |
| ۷- خِلعتی خَانِ دَادِتِه کاردِ طَلوِیی      | تو سَرِتِ دَرِدِ اینکِه سی گَذُخْدایی     |
| ۸- خِلعتی خَانِ دَاودِتِه کاردِتِ خِریدِه   | تو سَرِتِ دَرِدِ اینکِه سی رَه کَشیدِه    |
| ۹- چَادِرَا خَانِ زِیدِه بی سَرَاوِ اَناری  | شَوِ مَخوسِی خَانِ خُمِ کِه دِشِمِه داری  |
| ۱۰- چَادِرَانِه وِرگَشی سَرِ اوِ چَشْمِه    | شَوِ مَخوسِی خَانِ خُمِ دَرِوتِ زِدِشِمِه |
| ۱۱- اَسپِتِ وازین، زین زِ لِفِوِست          | دیدْمَشِ مَنِ مَورُونِ دَسِتِ عُلُومِت    |

آوانگاری:

- 1- *torkama sarhasi, arrav a barri*  
*čansī va run rakāv a xot ēnyari*
- 2- *torkamun sarhasi, arrav a šērāz*  
*čansī va run rakāvāt ikoni nāz*
- 3- *sarsārina pušnīd zə hunə dərved*  
*dəšmāni kə yonə did larzə barovəd*
- 4- *Sarsārina pušnīd zə hunə daʔwni*  
*dəšmāni kə yonə did rah bē zə zurī*
- 5- *xānom sangarə bast va gərəš zawrun*  
*yo čono jang ikonəš xē šēr a dawrun*
- 6- *sad ezār dunəš fəšang va par a šālas*  
*tārēki dāmsabay čarvəst və māləs*

- 7- xal'ati xān dādətəḥ kārđ ə talo'i  
to sarət dard ikonəḥ sē kasxoda'i
- 8- xal'ati xān dādətəḥ kārḡət xarışəḥ  
to sarət dard ikonəḥ sē rah kašēšə
- 9- Čāḡarā xān zəyşəḥ sar aw anāri  
šaw max<sup>ao</sup>si xān ə xom kə dəšmə dāri
- 10- Čāḡarānə varkaši sar ə aw ə šašməḥ  
šaw max<sup>ao</sup>si xān ə xom dawrat zə dəšməḥ
- 11- āspət wāzēn, zēn zə ləyumat  
dišomas mānə mawrun dast ə yolomat

برگردان فارسی

- |   |  |
|---|--|
| ۱- ای ترک سرحدی، عرب بیابانی                  | چه اندازه به ران و رکاب خودت می نگری             |
| ۲- ای ترک سرحدی، عرب شیرازی                   | چه اندازه به ران و رکابت ناز می کنی              |
| ۳- سرداری را پوشید، از خانه درآمد             | دشمنی که این را دید لرزه برآورد                  |
| ۴- سرداری را پوشید، از خانه پایین دست         | دشمنی که این را دید از (توان) زانورفت            |
| ۵- خان من بر «تپه زرّون» سنگر بست             | این چنان جنگ می کند، چون شیر دوران               |
| ۶- سد هزار دانه فشنگ به پرشالش است            | در تاریکی سپیده دم به (بشتیبانی) سوی مال خود آمد |
| ۷- خان کارد زرین خلعتت داده                   | تو سرت برای سروری درد می کند                     |
| ۸- خان کاردی به خلعت برایت خریده              | تو سرت برای نقشه کشیدن درد می کند                |
| ۹- چادرهای خان در «آب اناری» برپا بود         | خان خودم، شب نخوابی که دشمن داری                 |
| ۱۰- چادرها را به «آب چشمه» برد (جا به جا کرد) | خان خودم، شب نخوابی که دورادورت دشمن است         |
| ۱۱- اسبت را زین کرده با لگام (آراسته)         | دیدم در گورستان به دست نوکرت                     |

واژه های بختیاری و برابر فارسی آنها:

- ۱ - تُرکْمُونِ سَرْحَدِي = torkaman ə sarhaḍi = ترک قشقایی (مرزی).



هرچند پهلوان بختیاری ست چون در مرز قشقای زندگی می کند او را به ایشان مانده

می کنند

۲ - آرو بَری arav ə barri = عرب بیابانی، دشت نشین. مانده کردن همچون بالا

۳ - چندی čanđi = چه اندازه

۴ - رِکاو rəkāv = رکاب

۵ - خُت xot = خودت

۶ - اینزِی ēnyari = می نگری

۷ - سُرذارینه sarđarinə<sup>h</sup> = سرداری را، قبا را

۸ - پُوشنید pušniđ = پوشید

۹ - زِهونه zə hunə<sup>h</sup> = از خانه

۱۰ - دِرَوید dər vəyd = درآمد

۱۱ - بَرآوید barovəd = برآورد

۱۲ - دَونی downi = پایینی (در سطح)

۱۳ - دِشمن dəšmən = دشمن، «نون» های پایانی به ویژه در سرود و آواز به گفتار

نمی آید.

۱۴ - یُنه Yonə = این را

۱۵ - رَه بی rah bi (رَهذه بید) = رفته بود

۱۶ - زُونی zuni = زانو

۱۷ - گَرِذه gorđə<sup>h</sup> = پشت، پشته، تپه

۱۸ - یُ yo = این

۱۹ - چُن čono = چنان

۲۰ - ایکنه ikonə<sup>h</sup> = می کند

۲۱ - چی čē = چون، همچون

۲۲ - دَورُون dawrun = دوران، روزگار

۲۳ - اِزار (هزار) = đzār = هزار، برای آهنگ بیت ازار گفته شده است.

۲۴ - وِ və = به

۲۵ - شَالش šālš = شالش

۲۶ - دَم سَبَق dam sabay = سپیده دم، گرگ و میش

۲۷ - چَرِوست čarvəst = به سوی چیزی، به تک یا پشیمان، رفت

۲۸ - مال = māl مال، خانواده، دارایی، جایگاه، اطراقگاه

۲۹ - کدخدایی (کی خدایی) = kadxodā'i = سروری، بزرگی، کدخدایی

۳۰ - سی = sē = برای

۳۱ - ره کشیدن = rah kašēdān = نقشه کشیدن، برنامه ریزی کردن

۳۲ - زیده بی (بیذ) = zaydā<sup>h</sup> biδ = زده بود

۳۳ - شو = šaw = شب

۳۴ - مَخوسی = max<sup>ae</sup> si = خوابی

۳۵ - وَر کشید = varkašid = جا به جا کرد

۳۶ - چادرانِه = čādarānā<sup>h</sup> = چادرها را

۳۷ - وازین = vāzēn = زین کرده

۳۸ - لَعوم = ləyum = لگام

۳۹ - مَورُون = mawrun = گورستان

شیرِ علی مردون = šēr ə ali mārδun

علی مردان خان به انگیزه دلیری در جنگ با نیروهای قزاق نام آور شد. وی را با امان دادن و مهر کردن قرآن، رام و سپس بندی کرده، کشتند. از همین روی بیتهای «شیر علی مردون» که بازگو کننده جنگها، دلاوریها و مرگ جانگداز وی است و دشمن را کوچک و بی ریشه می شمرد، هنوز هم زبانزد بختیاریهاست.

هر چند که این بیتها تا پس از مرگ شیرعلی مردون را بازگو می کند، روی سخن همه

بیتها به خود او و از زبان وی است و چنان است که زنده ای سخن می گوید:

- |   |  |
|---|--|
| ۱- مَ لِرِ بَلِیتِ خُورُم، هَفْتِ سَالِهٖ شُونُم (چوپونم) | أَر وَنِیمِ وِ قِرْقِرِهٖ مَ شَخِ نَدُونُم     |
| ۲- کُنِ تِیپ، کُنِ سِیاهِ کُنِ فَرَا شُم                  | رَهٗ وِذِینِ دَامِ اُدُومِ بِیَانِ سَرِ لَاشُم |
| ۳- شُمشیرِ عَلِی مِسرذُونِ طَلایِ بِی غِش                 | زِ «دِهٖ گُرد» سَرگِشِهٖ تَا وِ «سِپیدِ دَشت»  |
| ۴- گُر بُکُش، گُورُ بُکُش مَنذِیمِ دُو تَا مُون           | نَهٗ گُری نَهٗ دُدَرِی مَنذِهٖ وِ جَامُون      |
| ۵- گُر بُکُش، گُورُ بُکُش، جَنگِ جَنگِ دِینِه             | کِی دِیدِهٖ قَاطِرِ چِینِهٖ جَاشا نِشِینِه     |
| ۶- «بِی عَرُوس» سَرِ قَلِهٖ پَلا بُرِیدِه                 | لَاشِ اِسپِیدِ عَلِی وِ دَارِ گُشِیدِه         |

آوانگاری

- 1- mo lor o balit xorom, haft sālā šoonom  
ar varim va yaryarah mašā nabunom
- 2- kona tip, kona sapaḥ, kona farāšom  
rah vašin dām o dabum bēyān sar o lāšom
- 3- šomšēr o ali maršum talāya bēyaš  
za "dahakard" sar kašā tā va "sāpēd dašt"
- 4- kor bokoš ga'u bokoš, maršim do tāmun  
na kori na došari manšāh va jāmun
- 5- kor bokoš ga'u bokoš, jang jang o dēnāh  
kē dēšāh yātarčēna jā ša našēna
- 6- "bē arus" sar o yala palā borisa  
lāš o aspēs o ali va dār kašēsa

برگردان فارسی

- |   |   |
|---|---|
| ۱- من لر بلوت خورم (و) هفت سال است شبانم      | اگر به دارم (هم) بکشی رژه نمی دانم              |
| ۲- کجاست تیپ، کجاست سپاه، کجاست پیشخدمتم      | راه بدهید مادرم و خواهرم به سر کالبدم بیایند    |
| ۳- شمشیر علی مردان زر ناب است                 | از ده کرد، (=شهرکرد) تابه «سپید دشت» سر می کشند |
| ۴- پسر بکش، برادر بکش، ما دو تن ماندیم        | نه پسری، نه دختری به جایمان مانده است           |
| ۵- پسر بکش، برادر بکش، جنگ، جنگ دین است       | چه کسی دیده است آستران جای شاه بنشینند          |
| ۶- «بی بی عروس» سر قلعه است و گیسوان را بریده | تن سفید «علی مردان» به دار کشیده است            |

واژه های بختیاری و برابر فارسی آنها:

۱ - مُم = mo

۲ - بَلِیت = balit (بلوط)

۳ - خُرُم = xorom

۴ - شُونُم (چوپونُم) = šoonom (čupunom) = شبانم، تنها برای گوسفندبان به کار

می رود. با آن که علی مردان، خان است در این جا خود را مردی فرودست می نماید. به دیگر سخن خود را آماده پذیرش جنگ و سختیها می نمایاند. چه، لر خواندن کسی در فرهنگ بختیاری، به معنای این است که او از توده مردم است. همچنین است بلوت خور خواندن و چوپان نامیدن خود. زیرا بزرگان در بختیاری لر خواندن خود را دوست ندارند و نمی پسندند.

۵ - آر = ar = اگر

۶ - ونیم = vanim = بیندازیم، بنهیم

۷ - مَشَخ = mašx = مارش، رژه، یادکرد آغاز سربازی وظیفه در ایران

۸ - نَدُونُم = naδunom = ندانم

۹ - کِن (کین) = koyanə = کجاست

۱۰ - رَه وَذین = rəh vəδin = راه بدهید

۱۱ - دام = dām = مادرم

۱۲ - دَدُوم = daδum = خواهرم

۱۳ - بیان (بیاهن) = bēyāhən = بیایند

۱۴ - لاش = lāš = تن، کالبد

۱۵ - کُر = kor = پسر

۱۶ - گوو = ga<sup>w</sup>u = برادر

۱۷ - مَنذیم = manδim = ماندیم

۱۸ - دُدَر = doδar = دختر

۱۹ - مَنذِه = manδə<sup>h</sup> = مانده

۲۰ - جامون = jāmun = جایمان

۲۱ - قاطرچین = yaterčān = استربان را، چاروادار را.

استربانی از کارهای پست و کنندگان آن از گروههای فرودست در پایگان مردمی

بختیاری به شمارند.

۲۲ - بی عروس (بی بی عروس) = bēbē = زنان بلند پایه بختیاری

۲۳ - قَلِه = yalə = قلعه، دژ

۲۴ - پَلا = palā = گیسوان بافته (پل مفرد آن است)

۲۵ - اِسپید = əspēδ = سفید

## «دنگ dang» ابوالقاسم خان

در تاریخ بختیاری در روزگار نزدیک به ما دو تن «ابوالقاسم خان» نام آور شده اند. یکی ابوالقاسم پسر «لطفعلی خان امیر مفخم بختیاری» ست که در جنگها و نبردهای مشروطه و پس از آن، و به ویژه رویدادهای بی درنگ پس از جنگ دوم جهانی، جایگاهی دارد. وی در زمان نخست وزیری قوام السلطنه نیز یکچند ایلخانی بختیاری را در دست گرفت. در این دوران باری دیگر فرمانروایی ایلی را برپا داشت. دلیری و بخشندگی او، وی را نزد بختیارها بسیار گرامی نمود.

آن دیگری «ابوالقاسم خان» پسر حاجی ابراهیم خان ضرغام السلطنه بود. هر دو، پدر و پسر مردانی خوشنام، دلیر و میهن دوست بودند. ضرغام السلطنه و پسرش در جنگهای مشروطه، اصفهان را از دست نیروهای دولتی هوادار محمد علی شاه قاجار بیرون آوردند. اندکی دیرتر به انگیزه ناهمداستانی با دیگر سران بختیاری از کار کناره گرفتند.

چنین می نماید که سرگذشت هر دو «قهرمان» در ترانه ها و «بیت‌های» بختیاری در هم آمیخته است. در این بیت‌هایی که زیر نام «دنگ ابوالقاسم خان» رواج دارد، آگاهی‌هایی درباره دلیری و جنگها و دریند شدن و مرگ هر دو دیده می شود. «دنگ» در گویش بختیاری ستون و «صف» را می رساند.

- ۱- شاد اُوید اقا اَبول پیرن گرامی      تا سَد سال دال بُخوره لاشِ نظامی
- ۲- آرضی شال چل گزی دَسَم و شالیت      لاشِمِه و اُخت بِوَر «پِرَنو» حلالیت
- ۳- مَر جَنگِه، مَر جَنگِه، خُدای دُو نای جَنگِ تُفَنگِه
- ۴- نویسُم غاغذی و «بی عظیمه»      زَر وِذِه فِشَنگِ بِخَر جَنگِ وِست و «دیمه»
- ۵- نویسُم غاغذی و «بی ستاره»      زَر وِذِه فِشَنگِ بِخَر جَنگِ وِست دوواره
- ۶- مَر جَنگِه، مَر جَنگِه، خُدای دُو نای جَنگِ تُفَنگِه
- ۷- چاربالون، چار طیاره، چارتنک ز دولت      پیشوازِ اُبل اُوید «ناصرِ صولت»
- ۸- مُ خُرزا «قاجاریم»، کُر امیرم      بختیاری زِ خُمِه بَلگَم بِمیرم
- ۹- مَر جَنگِه، مَر جَنگِه، خُدای دُو نای جَنگِ تُفَنگِه
- ۱۰- اُس که و «بیرگن»، شونخی زیدم      وِنْدُم و سَرهَنگ تَمُم دُی دُر زیدم
- ۱۱- شاد اُوید اقا اُبل سگار گِر لو      بختیاری زنده کرد و پوز بِر نو

- 1- šād ovəd āyā abol pēraṅ garāmi  
tā sad sāl dāl boxorəḥ lās ə nəzoami
- 2- ārazi šāl čəl gazi, dassom və šālet  
tāšomə və xot bəvar bərnəḥ halālet
- 3- mar jargəḥ, mar jargəḥ, xobāy doonāy, jang ə tofangəḥ
- 4- nəvēsom yāyazi və bē "aziməḥ"  
zar və səḥ fəšang baxar, jang vast və "dēməḥ"
- 5- nəvēsom yāyazi və bē "sətārəḥ"  
zar və səḥ fəšang baxar, jang vast dowārəḥ
- 6- mar jargəḥ, mar jargəḥ, xobāi doonāy jang ə tofangəḥ
- 7- čār bālun, čār toyārəḥ, čār taxkə zə dawkat  
pēšvāzə abol ovəyd "nāsər ə sawlat"
- 8- mo xorzā "yājāriom" kor ə amirom  
baxtəri zə xoməḥ bālhom bəmirom
- 9- mar jargəḥ, mar jargəḥ, xobāy doonāy jang ə tofangəḥ
- 10- oso kə və "bēragun" šowāixi zəisom  
vaxsom və sarhang tamom, doyborə zəisom
- 11- šād ovəyd āyā abol səgār gor ə law  
baxtəri zəndəḥ kard və puz ə bərnəw
- 12- mar jargəḥ, mar jargəḥ, xobāi doonāy jang ə tofangəḥ

## برگردان فارسی

- ۱- شاد آمد «آقا ابل» پیراهن ارجمند تا سد سال لاشخور لاش نظامی بخورد
- ۲- «آقا رضی شال چهل گزی» دستم به شال کمرت کالبدم را با خودت ببر، تفنگ برنو(ی من) حلالیت
- ۳- مگر جنگ است، مگر جنگ است، خدا می داند جنگ تفنگ است
- ۴- نامه ای بنویسم به «بی بی عظیمه» (سکه) زر بدهد فشنگ بخرد، در «دیمه» جنگ شد
- ۵- نامه ای بنویسم به «بی بی ستاره» (سکه) زر بدهد فشنگ بخرد، دوباره جنگ شد
- ۶- مگر جنگ است، مگر جنگ است (آری) خدا می داند جنگ تفنگ است
- ۷- چهار هواپیما، چهار هواپیما، چهار تانک دولتی به پیشواز «آبل» آمد ناصر (پسر) صولت
- ۸- من خواهر زاده قاجاری و پسر امیرم بختیاری از من است و شاید (هم) بمیرم
- ۹- مگر جنگ است، مگر جنگ است، (آری) جنگ تفنگ است
- ۱۰- آنگاه که در «بیرگون» شبیخون زد (تیری) انداختم به سرهنگ تمام، دکتر را (هم) زدم
- ۱۱- شاد آمد آقا ابل، سیگار گوشه لب بختیاری را به دهانه (تفنگ) برنو زنده کرد
- ۱۲- مگر جنگ است، مگر جنگ است، (آری) جنگ تفنگ است
- واژه های بختیاری و برابر فارسی آنها:
- ۱- دَنگ = dang = ترانه ها و سرودهای توصیفی
- ۲- شاد = šād = فرخنده، خرم، شاد
- ۳- اُوید = ovayd = آمد
- ۴- اَبَل = abol = کوتاه شده ابوالقاسم
- ۵- پیرن گرامی = pēran-gārāmi = پیراهن ارجمند، کسی که ارجمند است تن پوشش

هم نیز

- ۶- دال = dāl = لاشخور (پرنده)
- ۷- آ آ = ā = کوتاه شده آقا، کمی فروتر از خان
- ۸- چَل = čal = چهل (شماره)
- ۹- گزی = gazi = اندازه ای برای درازا، برابر ۱۶ گره
- ۱۰- دَسَم و شَالِت = dassom va šalət = دستم به شالت، سوگندی ست فروتنانه
- ۱۱- لاشمه = lašomə = لاشه ام را، کالبدم را

۱۲ - واخت = vā xot = با خودت  
 ۱۳ - بَوَر = bavar = بَبَر  
 ۱۴ - بَرَنُو = barnaw = تفنگ BRNO ساخت چکسلواکی. با آن که تفنگهای تازه تر بسیاری در بختیاری رواج یافت، هنوز دوست داشته ترین جنگ افزار آتشین نزد ایشان است.

- ۱۵ - مَر = mar = مگر  
 ۱۶ - اِ = ə = است  
 ۱۷ - وَدِه = vaðə<sup>h</sup> = بده  
 ۱۸ - بِخِر = bəxər = بَخِر  
 ۱۹ - وَست = vast = افتاد  
 ۲۰ - دُوارِه = dowārə<sup>h</sup> = دوباره  
 ۲۱ - بِالُون = bālun = هواپیما  
 ۲۲ - تَنک = tank = تانک جنگی  
 ۲۳ - نَاصِرِ صولت = nasər ə sa<sup>w</sup>lat = ناصرخان قشقای، پسر صولت الدوله  
 ۲۴ - خُرزا = xorzā = خواهرزاده  
 ۲۵ - خُمِه = xomə<sup>h</sup> = خودم است  
 ۲۶ - بَلْکَم = balkom = بلکه هم، شاید هم  
 ۲۷ - اُس = oso = آنگاه، آن هنگام  
 ۲۸ - بَیرِگَن = bēragon = جایی ست در بختیاری  
 ۲۹ - شَویخی = šowəixi = شبیخون  
 ۳۰ - زیدُم = zəydom = زدم  
 ۳۱ - وَنَدُم = vandom = انداختم  
 ۳۲ - دُی دُر = doyðor = دکتر  
 ۳۳ - سِگار = səgār = سیگار  
 ۳۴ - گُر = gor = گنج، گوشه  
 ۳۵ - لَو = law = لب  
 ۳۶ - پُوز = puz = پوزه، دهانه، دهان



# *Iranshenasi*

A JOURNAL  
OF IRANIAN STUDIES  
New Series

**Editor:**

Jalal Matini

**Associate Editor:**

(In charge of English Section)

William L. Hanaway

University of Pennsylvania

**Book Review Editor:**

Heshmat Moayyad

**Advisory Board:**

Peter J. Chelkowski,

New York University

Djala Khaleghi Motlagh

Hamburg University

Heshmat Moayyad,

University of Chicago

Roger M. Savory,

University of Toronto

**Former (deceased) Advisors:**

Mohammad Djafar Mahdjoub

Zabihollah Safa

The Views expressed in the articles are those of the authors  
and do not necessarily reflect the views of the Journal.

All contributions and correspondence should be addressed to:

**The Editor: Iranshenasi**

P. O. Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A.

Telephone: (301) 279-2564

Fax: (301) 279 - 2649

Requests for permission to reprint more than short  
quotations should be addressed to the Editor.

Annual subscription rates (4 issues) are \$ 75.00 for individuals, \$ 65.00 for students,  
and \$ 200 for institutions.

The price includes postage in the U.S.

For foreign mailing (Air Mail), add \$ 24 for Canada, \$ 48 for other countries

# *Iranshenasi*

A JOURNAL OF IRANIAN STUDIES

New Series

---

Abstracts of Persian Articles by:

Jalal Matini

Houshang Sadeghi Nejad

Ali Sajjadi

M.A.R. Taleghany